

داستان گاز گرفتن پای شاه توسط سگ یک روسپی فرانسوی

۲ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۵۶

هر لحظه امکان داشت خبر این ماجرا رسوایی بار آورد. علم می‌نویسد: [شاهنشاه] خیلی ناراحت شدند از این که مادرش کمونیست است. عرض کردم: نگران نباشید.

از داستان‌های لطیف! کتاب خاطرات علم یکی هم گاز گرفتن سگ از شاه است که اصل آن به وساطت شاه میان جنگ بین دو سگ بر می‌گردد: امروز اعلیحضرت همایونی قضیه را برای من تعریف کردند. به این صورت که سگ دختر فرانسوی که همراه بوده است [یکی از همان روسپی‌های معروف اروپایی] به سگ کوچک اعلیحضرت همایونی عشق ورزی می‌کرده.

سگ بزرگ و مورد علاقه شاهنشاه به این علت به سگ دخترک پریده است. شاهنشاه خواسته‌اند سگها را از هم جدا کنند، سگ دخترک ماهیچه پای شاهنشاه را دندان خطرناکی گرفته است به طوری که زخم عمیقی برداشته و در آنجا مجبور شده‌اند بخیه بزنند. (ص ۳۱۸). این گاز گرفتن فقط یکی از ماجراها بود. یکی دیگر از همین روسپی‌های فرانسوی در دربار تقریباً تا مرز دیوانگی پیش رفت و مشکلات عدیده‌ای را برای علم درست کرد (ص ۴۸۹) و باز هم ادامه و ادامه یافت.

علم شرح حال او را به شاه که منتظر بود گزارش کرد: اگر اتفاقی برای او بیفتد دیگر آبرویی برای ما نمی‌ماند. شاهنشاه فوق العاده ناراحت شدند. عرض کردم این جا به بیمارستان هم نمی‌توانیم او را بفرستیم. چون احمق و پرحرف و پرگو و بی‌پرواست. فرمودند خوب هرچه می‌توانید بکنید. پس ما بعد از ظهر چه کنیم؟ (ص ۴۹۳). مشکل این بود که مادر این دختر فرانسوی در حزب کمونیست فرانسه و کارمند یک روزنامه بود.

هر لحظه امکان داشت خبر این ماجرا رسوایی بار آورد. علم می‌نویسد: [شاهنشاه] خیلی ناراحت شدند از این که مادرش کمونیست است. عرض کردم: نگران نباشید. میخ اسلام را در کشور کمونیستی هم فرو کردید. خندیدند (ص ۴۹۴). جناب علم زحمت کشیده، عکس دخترها را به شاه نشان می‌دادند تا ایشان انتخاب کنند (ص ۵۰۱).

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۸۳۶/داستان-گاز-گرفت-شاه-پا-گرفت-گاز-داستان-۲۲۸۳۶>